

موضوع، روش و غایت فلسفه علم (دیدگاه رجایی)

موضوع فلسفه علم، علم است، از آن نظر که در ذهن جمعی و فردی انسان (ها) محقق می شود و مسائل فلسفه علم، شامل همه مباحث مربوط به علم است، مشروط به این که به قاعده ای کلی و یا یک نظریه، بیانجامد. حال چه از یک دانسته جزئی بحث کند و چه از مباحث مربوط به نهاد علم یا بر هر زمینه مطالعاتی دیگر؛ مثلاً زمینه ابزارهای شناخت (حس، عقل و شهود) زمینه ارزش و مبنای ارزشی شناخت، زمینه روش شناخت، زمینه ساحت های شناخت، زمینه موضوعات شناخت، زمینه منطق اکتشاف علم^[1]، زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقلیمی، مردم شناختی و... زمینه روان شناختی شناخت، زمینه بررسی های زیست شناختی و گاه مشخصاً مغز و اعصاب، زمینه ادراک شناختی تطبیقی (بررسی مقایس های ادراکات بوسیله هر موجودی که ادراک دارد) زمینه زبان شناختی (و در نظریه ما: نسخه شناختی) بر زمینه عالم شناختی شناخت و...

روش فلسفه علم، روشی ترکیبی و کُلّ نگر است. فیلسوف علم به ناچار از هر روش مؤثری که بتواند با آن به هدف شناختی خود برسد، استفاده می کند. گاه تاریخ علم را می کاود، گاه به اسناد و مدارک معتبر اسلامی مراجعه می کند، گاه شیوه تعقلی را پی می گیرد، گاه متممّانه به مطالعات عصب ادراک شناختی توجه می کند و... برای فیلسوف علم، شناخت چیستی و رفتار «دانستن» و «علم» مهم است، حال از هر راه منتج به نتیجه. مبتنی بر نظریه ذره ای-کهرکشانی، محدودیت روش در علم، -فقط آن جاست که به هدف علم نیانجامد. خواهیم گفت که روش ها در بُن مایه، یکپارچه اند و همه مسائل علم، باید با این بُن مایه و در محضر عقل و ذرات معرفتی، حلّ و فصل شوند. این مسئله شامل خود فلسفه علم هم می شود. غایت فلسفه علم، بهینه کردن علم و علوم، برای تعالی انسانی و تقرّب الی الله است.

بخشی از کتاب فلسفه علم برای تبیین علوم انسانی

پانویشت

[1]. the logic of scientific discovery